

متن پرسش

با سلام خدمت استاد: در دوران و عصر ما بعضی از اشخاص یا فرقه‌هایی پیدا شده‌اند که دارای ادعاهایی هستند و برای اثبات ادعای خود به خواب متوسل می‌شوند. یعنی به شخصی که در حال جذب او هستند می‌گویند فلان کارها را انجام بده و بعد در خواب چنین اتفاقی برای تو می‌افتد. حال می‌خواستم نظر اسلام رو در مورد خواب و حجیت خواب بدونم؟ در اسلام خواب اصلاً حجت هست؟ اگر نیست چگونه رد می‌شود؟ اگر حجت هست برای چه کسانی حجت هست؟ آیا علما اگر خوابی دیدند برای آنها حجت هست و ما می‌توانیم به خوابشان استناد کنیم در حالی که دیگران را از توجه به چنین خواب‌هایی نهی می‌کنیم؟ با تشکر. اگر مقدور است مفصلاً جواب بدهید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «ده نکته از معرفت نفس» نکاتی در این مورد عرض شده که عیناً خدمتتان ارسال می‌شود. موفق باشید

در قرآن از خواب‌هایی نام برده است که از رابطه‌ای بین آنچه شخص در خواب با آن روبه‌رو می‌شود و بین عالم خارج حکایت دارد. مثل خواب حضرت ابراهیم «علیه السلام» نسبت به ذبح فرزندشان (۱۰۵/ صافات)، و یا رؤیای حضرت یوسف «علیه السلام»، و یا رؤیای دو رفیق هم‌زندانی حضرت یوسف «علیه السلام»، و یا رؤیای پادشاه مصر، و یا رؤیای رسول خدا «صلوة الله علیه وآله» در رابطه با فتح مکه (۲۷/ فتح)؛ که تمامی این رؤیاهای چنانچه مستحضرید رابطه‌ای با عالم خارج دارد و صرف خیالات افراد نیست.

با این همه رؤیا؛ امری است ادراکی که قوه خیال در آن مؤثر است و اگر قوه خیال تحت تأثیر شدید عالم خارج باشد، آن خیالات در رؤیا دخالت‌های شدید می‌کند. همچنان که صفات روحی شخص مثل عداوت و عجب و تکبر و حرص و طمع در خیالاتش تأثیر می‌گذارد. لذا اکثر رؤیاهای تحت تأثیر تخیلات نفسانی است. تخیلات نفسانی نیز تحت تأثیر همین عوامل طبیعی یا اخلاقی است که نفس را به تصور آنها واداشته است. پس در حقیقت نفس همان تأثیرات را در خودش حکایت می‌کند و حقیقت دیگری ندارد. بنابراین هر رؤیایی، حقیقت نیست هرچند هر رؤیایی تعبیری دارد که تعبیر آن، عوامل طبیعی و یا عوامل اخلاقی هستند. ولی رؤیاهایی هم هست که با حوادث خارجی و حقایق عالم وجود ارتباط دارند.

رؤیایها، یا خواب های حق: عبارت است از ارتباط نفس با سبب غیبی حادثه ای که بعداً در ظرف مکان و زمان خاص محقق می شود. نفس به علت تجردش با وجود برزخی یا عقلی يك حادثه در خواب ارتباط پیدا می کند و بعداً آن حادثه در عالم ماده حادث می شود. البته نفس پاره ای از حقایق آن عالم را به مقدار استعدادش دریافت می کند. حال اگر نفس، کامل باشد و گرفتار وهمیات و آرزوها نباشد، حقایق عالم غیب را آنطور که هست به طور کلیت و نورانیت در خواب پیش رویش حاضر می بیند، ولی اگر نفس کامل نبود آن حقایق را به نحو حکایت خیالی و در صورت های جزئی که با آنها مأنوس است می یابد. مثل این که وقتی با معنی «عظمت» در آن عالم، روبه رو می شود، در خیالش صورت «کوه» ایجاد می شود، و یا معنی «مکر» در خیالش صورت «روباه» به خود می گیرد، چون عظمت را به کوه، و مکر را به روباه می شناسد. یا معنی «افتخار» را به صورت «تاج» و «علم» را به صورت «نور» و «جهل» را به صورت «ظلمت» می بیند. و یا مثلاً چون رابطه ای بین اذان صبح در ماه رمضان با شروع روزه هست، با دیدن معنی «مؤذن بودن» در آن عالم، صورت «مهرکردن دهان» مردم برای خود می سازد. که البته این موضوع؛ رقایق و ظرایفی مخصوص به خود دارد به طوری که گاهی از يك معنی که در خواب می یابد صورت عکس آن را در خود می سازد. مثل این که در بیداری گاهی با شنیدن لغت ثروت به معنی فقر فقرا منتقل می شود.

پس گاهی خواب «صریح و بدون تصرف» است و یا «متمثل معنایی است که نفس با آن روبه رو شده، در عین تصرف نفس» و یا «انتقال به چیزی است مناسب آن معنی یا ضد آن معنی» و گاهی آنچنان با تصورات شخص مخلوط شده که اصلاً نمی توان فهمید از کدام يك از مبانی مأنوس شخص خواب بیننده تأثیر گرفته، که در این حالت به این رؤیایها «اضغاث احلام» گویند.

در رؤیاهایی که نفس با اصل موضوع روبه رو می شود و به صورت مناسب آن منتقل می شود، در واقع انسان به اصل موضوعات آگاه شده، به طوری که اگر ملاحظه کرد در حال جمع کردن کثافت است، در واقع صورت به دست آوردن مال زیاد دنیا را به او نشان می دهند، در عین آگاهی دادن به او که این مال سرگین و کثافت است. و یا وقتی روبه رو می شود بر این که بدنش ورم کرده است، با صورت به دست آوردن مال زیاد روبه رو می شود در عین آگاهی دادن به او که بدان! آن چرك و آلودگی است. همچنان که اگر در خواب دید در زندان است، در واقع با صورت شهرت یابی اش روبه رو شده در عین آگاهی دادن به او که این شهرت زندان است، همچنان که اگر دید در زنجیر است، با صورت خوشی و خوش گذرانی دنیایی اش روبه رو شده در عین آگاهی دادن به او که آن گناه است و گرفتاری و زنجیر.

در هر صورت با این احوال نمی توان به رؤیا اعتماد کرد، چون در حال خواب؛ صورت خیالیه نفس آن قدر جولان دارد که با میل خود صورت ها را تغییر می دهد و از جایگاه خود خارج می کند.

صاحب کتاب «تحف العقول» از قول پیامبر «صلوة الله عليه وآله» آورده که حضرت فرمودند: اگر رؤیا از کسی برداشته شد نباید نگران باشد زیرا وقتی کسی راسخ در علم شود، رؤیا از او برداشته می شود.

این که دستور داده اند انسان دائم در حال طهارت باشد و نیز با وضو بخوابد، به سبب آن است که این طهارت موجب طهارت باطن و آزادشدن از خواب های بی خود و باطل می گردد.

مرحوم محدث نوری در جلد ۴ کتاب دارالسلام می فرماید: اگر انسان نسبت به خوراکش مواظبت داشته باشد و دقت کند که چه چیز بخورد و چه مقدار بخورد، روح او قدرت سیر در اکناف آسمان ها را می یابد و گرنه برعکس، پرخوری موجب جولان شیطان در قلب و خیالش در خواب و بیداری می شود.

قال رسول الله «صلوة الله عليه وآله»: «الرُّؤْيَا ثَلَاثٌ: مِنْهَا اِهْوِيلُ الشَّيْطَانِ لِيُخَزْنَ بِهَا ابْنَ اَدَمَ وَ مِنْهَا مَا يَهُمُّ بِهِ الرَّجُلُ فِي يَفْظَتِهِ فَيَرَاهُ فِي مَنَامِهِ وَ مِنْهَا جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَ اِزْبَعَيْنِ جُزْءٌ مِنَ النَّبُوَّةِ. یعنی خواب سه گونه است: یکی القائاتی که شیطان می کند تا فرزندان آدم را بترساند و نگران کند و یکی این که آنچه را در بیداری مورد توجه قرار داده در خوابش آن را می بیند (با تغییراتی از طریق صورت خیالی) و یکی هم خواب هایی است که جزیی است از چهل و شش جزء نبوت.

امام صادق «علیه السلام» می فرمایند: در مورد رؤیا فکر کن که چگونه خداوند در مورد آنها تدبیر به کار گرفته و راست و دروغ آن را به هم در آمیخته، اگر همه رؤیاها راست بود، مردم همه پیامبر بودند، و اگر همه دروغ بود، در رؤیا فایده ای نبود.

در فرمایش امام محمدباقر «علیه السلام» داریم که: «رؤیای مؤمن بین زمین و آسمان در گردش است تا آن که خودش آن را برای خود تعبیر کند، یا دیگری برای او تعبیر نماید، پس آنگاه که تعبیر کرد به زمین می آید و قطعی می شود» (کافی ج ۸ ص ۳۳۶).

این بود مختصری از بحث رؤیا که شرح بیشتر آن را در بحث آیه ۴۲ سوره زمر عرض کرده ایم و چون عموماً در حین بحث در مورد رؤیای صادقه سؤال می شد، آن را در این قسمت خدمت عزیزان عرضه کردیم.